

مجموعه ریاضی

امیرالدی

کتابخانه

www.ketab.ir

سیرشناسه: مرادی، امیر، ۱۳۶۸ -

عنوان و نام پدیدآور: سزاوار / مجموعه رباعی / امیر مرادی.

مشخصات نشر: تهران، مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۱۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۲-۳۶-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- 20th century

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ س۴ ۱۲۵۴ / PIR۸۳۶۱

رده‌بندی دیوبی: ۸۱۶/۶۲

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۵۶۹۹۶۳

تهران، خیابان شریعتی، بالاتر از سهراب طالقانی، روبه‌روی سینما
محرک، لاک ۱۶۸، طبقه ۴، مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب

تلف: ۰۲۱-۷۷۶۴۰۸۹۷، پخش: ۰۲۱-۴۸۹۰۷۰

www.shahrestanadab.com

<http://adabbook.com>



سزاوار

مجموعه رباعی

امیر مرادی

حروف‌نگاری و آمادہ‌سازی: کارگاه هنری شهرستان ادب

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: فرآیندگویا، نقش ایران، نمر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۸۲-۳۶-۵

حق چاپ محفوظ و مخصوص انتشارات شهرستان ادب است.

هرگونه استفاده، منوط به اجازه کتبی از ناشر است.

این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

فهرست

۱. از معش حضا، از نبود آمده‌ام..... ۱۱
۲. «از جرئت نیست» خوابش این بود... ۱۲
۳. نه! خواب نبود، بران را دیدم..... ۱۳
۴. از خاک برآورد، برانگخت من..... ۱۴
۵. جز با تپش چشم تو در سگ و سهد... ۱۵
۶. نور از شب تاریک برانمیخته است..... ۱۶
۷. من برگ، سرافکنده‌ام را دیدی..... ۱۷
۸. می‌خواست چنین سرخ و سپیدی باشم... ۱۸
۹. گشتم پی معنای تولد، گشتم..... ۱۹
۱۰. این بی‌ثمر از عمر، کماکان بودن..... ۲۰
۱۱. ای خسته حسرت سرانجام، ای من..... ۲۱
۱۲. کم‌قابل داغ دم به دم داشته است؟..... ۲۲
۱۳. پی می‌گردم دلیل بدنامی را..... ۲۳
۱۴. تخفیف نبخشید عذابم را، نه..... ۲۴
۱۵. از وحشت وقت، دم به دم تاخته‌ام..... ۲۵
۱۶. من هستم و عالمی عزایوش من است... ۲۶
۱۷. ای کار تو بار درد بردن، ای من..... ۲۷
۱۸. از رنج تلنبار شدم، خوابیدم..... ۲۸
۱۹. هر دم به هوای انتخابی دیگر..... ۲۹
۲۰. بیداری چیست جز نقابی دیگر؟..... ۳۰
۲۱. خون دل صد شهید، پیوست من است... ۳۱
۲۲. دلتنگی تو که عقل، تردیدش خواند..... ۳۲
۲۳. جاری پی چیست چشمه لبخندم؟..... ۳۳
۲۴. تا کی پی سهم جسم و جانم باشم؟..... ۳۴
۲۵. خود والی این خالی ویران بودی..... ۳۵
۲۶. رنگ از پی رنگ، خویش را باخته‌ام... ۳۶
۲۷. یا غربت دون پایگی‌ام خواهد کشت..... ۳۷
۲۸. این تپش از نفس افتاده بگو..... ۳۸
۲۹. بیزارم از این من لبالب گله‌ام..... ۳۹
۳۰. بی رغبت من موی‌کشان می‌بردم..... ۴۰
۳۱. من ساکن، بر زمین افسردگی‌ام..... ۴۱
۳۲. من است یکی در غل و غش نیست فقط... ۴۲
۳۳. در او، در، در، خاپو کشتند..... ۴۳
۳۴. سرگشته راه چاره، در مسیر..... ۴۴
۳۵. می‌دانم، صیدین هوس منم..... ۴۵
۳۶. تا چند به هرزه در هوس بودم؟..... ۴۶
۳۷. ای زخمی ازدحام بی‌شرم، من..... ۴۷
۳۸. کی ساکن اضطراب دل‌بستگی‌ام؟..... ۴۸
۳۹. از حسرت چیست این چنین آزرده؟..... ۴۹
۴۰. از چیست مدام در هوس می‌افتد؟..... ۵۰

۴۱. جز تو خبری در دل ویرانم نیست ۵۱
 ۴۲. ای دغدغه معاش! سرشارم کن ۵۲
 ۴۳. آمدشد ممتد خیابان‌ها را ۵۳
 ۴۴. از نکبت خواب صبحدم می‌گویند ۵۴
 ۴۵. با هر مردی مرا غم مشترکی ست ۵۵
 ۴۶. لرود نگاه عابران است دلم ۵۶
 ۴۷. از خویش گذشته‌ای پریشان‌جان، من ۵۷
 ۴۸. جز درد معاشم تپشی دردی نیست ۵۸
 ۴۹. از حالت می‌رسم و از احوالت ۵۹
 ۵۰. می‌خنه با سر سرشتی دارم ۶۰
 ۵۱. در دل اضطراب و درد لب من ۶۱
 ۵۲. هم برثیبه بر لبم جو دیدی ۶۲
 ۵۳. روشن شده چشمم با پرسش من نیست؟ ۶۳
 ۵۴. برخیز از آماده ماتم ۶۴
 ۵۵. ناگاه زمان حکایتی عمگین شد ۶۵
 ۵۶. دیدی از کف رفته قرار، رفتی ۶۶
 ۵۷. دید از پس او یکسره فریادم، رفت ۶۷
 ۵۸. بی که برسم به گرد پایش نفسی ۶۸
 ۵۹. هر آینه محکوم شکستم بی تو ۶۹
 ۶۰. قدر من دلتنگ پریشانی؟ نه ۷۰
 ۶۱. ای زمزمه بهار آهنگی من ۷۱
 ۶۲. ای از تو به اقصای جهان هنگامه ۷۲
 ۶۳. پایان شو دوران پریشانی را ۷۳
 ۶۴. شاید جایی دچار مردم شده است ۷۴
 ۶۵. دنبال توام باز پریشانم اگر ۷۵
 ۶۶. مانندم مگر از غبار، مردی برسد ۷۶
 ۶۷. پایان می‌داد در به در گشتن را ۷۷
 ۶۸. آن داغ مدام برقرار است هنوز ۷۸
 ۶۹. از چشمه جان من جنون می‌جوشد ۷۹
 ۷۰. این زمزمه روشن با حنجر کیست؟ ۸۰
 ۷۱. آواز حزین باد، پیغمبر کیست؟ ۸۱
 ۷۲. بوده‌ست پذیرای غمت آغوشم ۸۲
 ۷۳. مانده‌ست از آن قوم قیامت‌سفران ۸۳
 ۷۴. پیش از تو چه بوده؟ احتمالی شاید ۸۴
 ۷۵. یادم دادی محو بیابان باشم ۸۵
 ۷۶. گشتم، مگر از هیچ سراغی باشد ۸۶
 ۷۷. در خواب چمن، در تپش آهو بود ۸۷
 ۷۸. از غیبت، آنک به حضور آمده‌ای ۸۸
 ۷۹. از خیل گرفتار، جدا ماندم باز ۸۹
 ۸۰. من هم چون بحر و بر، اطاعت کردم ۹۰
 ۸۱. از جنبه خواب رهایم کردی ۹۱
 ۸۲. می‌خواستم از نور بیانی باشم ۹۲
 ۸۳. از کار - کدام کار؟ - بیکارم کن ۹۳
 ۸۴. با جبهه اهل جهل، در جنگ شدن ۹۴
 ۸۵. آیا تویی آن که دم به دم دنبال ۹۵
 ۸۶. جز اشک چه منزلی ست با بنده تو؟ ۹۶
 ۸۷. دریاب من، این خسته بی حاصل را ۹۷
 ۸۸. بازی چه مگر دیدی از بندگی‌ام ۹۸
 ۸۹. آری خسته‌ام همیشه خاموشی را ۹۹
 ۹۰. ای ای که غم غربتی! نشانت اینجاست ۱۰۰
 ۹۱. دردت اینجا که جهانی باشی ۱۰۱
 ۹۲. بین من و این رضع مبادا من هم ۱۰۲
 ۹۳. بیزار از اخبار این داری تو ۱۰۳
 ۹۴. در کثرت همه آن‌ها می ۱۰۴
 ۹۵. من چیستم؟ از صورت مد جسدی ۱۰۵
 ۹۶. نفرین کش ناله زن و ۱۰۶
 ۹۷. نفرینی اهل آسمان ساحت ۱۰۷
 ۹۸. خوالیگر مغز شهر تا بوده من ۱۰۸
 ۹۹. ای آن سوی بیکران‌ات کاشانه ۱۰۹